

## یادداشت

## انتهای مسیر پیوستن به سازمان شانگهای



احمدزیدآبادی

روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

سران سازمان همکاری‌های شانگهای عضویت کامل ایران در این سازمان را تصویب کردند. ایران پیش از این عضو ناظر سازمان شانگهای بود. روند اجرایی پیوستن رسمی ایران به سازمان شانگهای مدت زمانی طول می‌کشد. به نظر من نوع رفتار سیاسی جمهوری اسلامی در این مدت اهمیت بسزایی دارد. سازمان همکاری‌های شانگهای توسط روسیه و چین پایه‌گذاری شده است و در کنار چهار کشور آسیای مرکزی، هند و پاکستان را هم در برمی‌گیرد. نگاهی سطحی به کشورهای عضو سازمان شانگهای به روشنی نشان می‌دهد که پیوندهای چندانی عمیقی بخصوص از لحاظ سیاسی و امنیتی بین آنها وجود ندارد و این سازمان عملاً به محل حضور قدرت‌های رقیب در بخشی از آسیا تبدیل شده است. رابطه سرد و بعضاً تنش‌آمیز هندوستان با چین و پاکستان، به‌خودی خود، از میزان پیوند و همبستگی اعضای سازمان شانگهای پرده برمی‌دارد. بنابراین، تصور اینکه سازمان شانگهای باشگاهی از کشورهای قدرتمند آسیایی در برابر کشورهای غربی است، پایه و اساس محکمی ندارد. با این همه، حضور جمهوری اسلامی در سازمان شانگهای از دو جهت حائز اهمیت است. نخست اینکه جمهوری اسلامی به طور رسمی به جمع کشورهای پیوسته است که گرچه در مواردی انتقادهایی از نوع بازیگری رقیبای غربی یا شرقی خود در نظام بین‌الملل دارند، اما خود را یکی از ستون‌های اصلی این نظام می‌دانند و در جهت دستیابی به موقعیتی بالاتر در سلسله مراتب آن می‌کوشند. این در حالی است که گفتمان عقیدتی بر نفی نظام بین‌الملل و نوعی مقابله‌جویی با آن استوار شده است به‌طوری‌که سازگاری با آن را محض ماهیت عقیدتی خود می‌دانند. از این جهت، پیوستن جمهوری اسلامی به سازمان همکاری‌های شانگهای، زاویه گرفتن با این گفتمان و گشودن مسیری برای سازگاری با نظام بین‌الملل است. در واقع، مدت زمان لازم برای طی کردن روند اجرایی پیوستن رسمی به سازمان همکاری‌های شانگهای، میزان آمادگی جمهوری اسلامی را برای اشتی با نظام بین‌المللی آشکار خواهد کرد دوم اینکه، تاکنون مرکز ثقل سیاست خارجی جمهوری اسلامی، منطقه خاورمیانه با محوریت منازعه اسرائیل و کشورهای عربی بوده است. میزان جدیت و تلاش ایران در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای می‌تواند در جابجایی این مرکز ثقل اثرگذار باشد و توجه جمهوری اسلامی را از خاورمیانه به آسیای مرکزی و کشورهای پیرامون آن معطوف کند. این تحول احتمالی هم در راستای تحول نخست است. با این حساب، تفسیر و تأویل برخی از محافل اصولگرایی در تهران از پیوستن به سازمان همکاری‌های شانگهای، نسبتی با واقعیت و عمق ماجرا ندارد. در حقیقت، مسیر عضویت کامل ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای به نقطه‌ای خلاف گفتمان مورد علاقه آنها ختم می‌شود.

## دیدگاه

## طالبان قدرت خطر اصلی برای دیانت

ادامه از صفحه اول

یکدیگر مرادوات اقتصادی داشته باشند. براساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته حجم تبادل تجاری سازمان شانگهای در پنج سال آینده به ۲۰ تریلیون دلار بالغ خواهد شد که این امر می‌تواند به پویایی اقتصاد کشورهای عضو سازمان شانگهای منجر شود. از سوی دیگر، ایران به عنوان تأمین‌کننده انرژی منطقه و قرارداشتن در جاده ابریشم به عنوان محوری‌ترین عضو این سازمان تلقی می‌شود و در آینده از پویایی اقتصادی کشورهای شرق و غرب آسیا استفاده خواهد کرد. از سوی دیگر رویکرد سازمان شانگهای در ۱۰ سال آینده به این سمت و سو خواهد بود که به تدریج جهان شرق از سلطه لاما و بیورو خارج خواهد شد و یک ارز جدیدی در محور کشورهای مسیر جاده ابریشم به وجود خواهد آمد. حضور رئیس‌جمهور ایران در نشست سران شانگهای در تاجیکستان نشان داد که تهران راهبرد جدیدی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و شکستن تحریم‌ها در دست اجرا دارد. به همین دلیل و با توجه به نقش آفرینی چهار محور عموری عضو شانگهای یعنی چین، روسیه، هند و ایران، آمریکا اخیراً سیگنال‌هایی برای شکستن بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به تهران ارسال داشته. این امر نشان می‌دهد که جامعه جهانی به ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که اجرایی کردن توافقنامه درجام و لغو بخشی از تحریم‌ها، می‌تواند مشوق‌های سازنده‌ای برای ادامه تعامل سازنده ایران با جامعه جهانی فراهم کند. لذا پیوستن ایران به صورت دائمی به سازمان شانگهای می‌تواند حجم مبادلات اقتصادی ایران و کشورهای عضو شانگهای را در سطح بسیار بالایی ارتقا بخشد و این یک موفقیت سیاسی و اقتصادی برای ایران تلقی می‌شود. از طرفی طبیعی است که ایران با پیش شرط‌هایی در آینده اف‌ای تی اف‌ا را خواهد پذیرفت، زیرا یکی از مسائل چالش برانگیز در سازمان شانگهای پذیرش توافقنامه اف‌ای تی اف‌ا سوی کشورهای عضو می‌باشد. لذا ایران با دقت و هوشمندی بالا در آینده به پروتکل اف‌ای تی اف خواهد پیوست اما این به مفهوم تسلیم شدن ایران در برابر خواسته‌های اف‌ای تی اف نخواهد بود.

## غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## اصولگرایان ناچارند تکلیف‌شان را با تندروها مشخص کنند

حریت مجلس با شفافیت آرامکن می‌شود

نبود شفافیت یکی از آفات یکدستی حاکمیت است



**آرمان ملی** – نرگس کارخانه‌ای: گفته شده به زودی طرح شفافیت آرا در مجلس اجرا خواهد شد اما همچنان این طرح مخالفانی در مجلس دارد که مانع از اجرای آن می‌شود. طرحی که بسیار چالش برانگیز شد و تاکنون نتوانسته نتیجه قطعی را به همراه داشته باشد. حالانیز با گذشت این مدت زمان طولانی، آنچه مطرح است اجرای طرح اما در کنار برخی قیدها و شروط برای محدود کردن آن در صورت اجراست. در رابطه با موانع و علل اجرایی نشدن این طرح و دیگر جوانب آن «آرمان ملی» به گفت‌وگو با غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

شفافیت آرا در مجلس مدت‌هاست موضوعی مورد بحث است در حالی که هنوز به عمل در نیامده است، چرا که علاوه بر موافقان، مخالفینی دارد که باور دارند آرا نمایندگان مجلس نباید شفاف باشد. آیا شما این طرح را لازم‌الاجرا می‌دانید؟ مساله شفافیت آرا فارغ از اینکه دولت از کدام خط و جناح باشد در هر دوره‌ای مطرح است چرا که مردم باید مطلع باشند که نمایندگان آنها چه تصمیمی می‌گیرند و در خصوص هر تصمیمی چه رای می‌دهند. در این صورت تکلیف مردم و نمایندگان روشن می‌شود و حتی دولتی که بر اساس شفافیت آرا شکل می‌گیرد و پیش می‌رود، مسیر راحتی‌تری را در پیش دارد. اما یکی از آفات یکسو شدن و فرار گرفتن همه ارکان حاکمیت در یک خط این است که دیگر در میان خود نیازی به شفافیت احساس نمی‌کنند چون توافقات به راحتی در میان خودشان انجام می‌شود و چندان مردم را در این دست امور دخیل نمی‌دانند البته حتی آنان هم منکر آگاهی‌بخشی مردم نیستند اما باور دارند به عنوان نماینده مردم به تصمیم و وظیفه خود عمل می‌کنند. به نظر من این مساله عدم شفافیت باید متوقف شود و اولین نهادی که وظیفه دارد علیه آن قیام کند و واکنش نشان دهد خود مجلس است. این نمایندگان محترم در نقطه‌های انتخاباتی خود موضوع شفافیت آرا را مطرح کرده‌اند که در رابطه با موضوع مبارزه با فساد نیز این امر، مساله‌ای بسیار برجسته است. در همین زمینه و کارهایی که مجلس به شکلی بر آنها حق نظارتی دارد است که موضوع تحقیق و تفحص می‌تواند مطرح شود، به خصوص در اموری نیازمند نگاه اقتصادی. به نظر من تحقیق و تفحص امری است که باید جدی‌تر گرفته شود، یکی از آورده‌های دولت و مجلس اگر موضوع مبارزه با فساد باشد، بحث شفاف‌سازی و تحقیق و تفحص می‌تواند پررنگ‌تر شود. اینها

چرا که مردم باید مطلع باشند که نمایندگان آنها چه تصمیمی می‌گیرند و در خصوص هر تصمیمی چه رای می‌دهند. در این صورت تکلیف مردم و نمایندگان روشن می‌شود و حتی دولتی که بر اساس شفافیت آرا شکل می‌گیرد و پیش می‌رود، مسیر راحتی‌تری را در پیش دارد. اما یکی از آفات یکسو شدن و فرار گرفتن همه ارکان حاکمیت در یک خط این است که دیگر در میان خود نیازی به شفافیت احساس نمی‌کنند چون توافقات به راحتی در میان خودشان انجام می‌شود و چندان مردم را در این دست امور دخیل نمی‌دانند البته حتی آنان هم منکر آگاهی‌بخشی مردم نیستند اما باور دارند به عنوان نماینده مردم به تصمیم و وظیفه خود عمل می‌کنند. به نظر من این مساله عدم شفافیت باید متوقف شود و اولین نهادی که وظیفه دارد علیه آن قیام کند و واکنش نشان دهد خود مجلس است. این نمایندگان محترم در نقطه‌های انتخاباتی خود موضوع شفافیت آرا را مطرح کرده‌اند که در رابطه با موضوع مبارزه با فساد نیز این امر، مساله‌ای بسیار برجسته است. در همین زمینه و کارهایی که مجلس به شکلی بر آنها حق نظارتی دارد است که موضوع تحقیق و تفحص می‌تواند مطرح شود، به خصوص در اموری نیازمند نگاه اقتصادی. به نظر من تحقیق و تفحص امری است که باید جدی‌تر گرفته شود، یکی از آورده‌های دولت و مجلس اگر موضوع مبارزه با فساد باشد، بحث شفاف‌سازی و تحقیق و تفحص می‌تواند پررنگ‌تر شود. اینها

این طرح هستند را چه می‌دانید؟ چرا عده‌ای از اصولگرایان آن را نمی‌پذیرند؟ جریان اصولگرایی مثل اصلاح‌طلبی یکدست نیست و دارای طیف‌های مختلف است؛ یعنی افرادی در میان آنها هستند که با شفافیت آرا موافق هستند و بر آن اصرار دارند اما برخی دیگر نشان داده‌اند که اعتقادی به این امر ندارند. جریان اصولگرایی باید تکلیف خود را با این افرادی که تکرر و هوسند روشن کنند. در این امر نیز اولین قسمتی که باید در برابر این مساله بايست و از کيان مجلس حفاظت و حراست کند خود مجلس است؛ در نطق‌ها و در جلسات داخلی نقش ریاست مجلس، آقای قالیباف و تذکره‌های او می‌تواند بسیار مؤثر باشد. اما به هر حال در هر جریانی افرادی در طیف تکرر، منفرد و بعضاً افراطی وجود دارند.

آرا باور دارند استقلال و حریت نمایندگان در نتیجه این طرح از بین می‌رود، آیا ممکن است آشکار شدن رای نمایندگان عواقبی از این دست داشته باشد؟ چطور ممکن است شفافیت از حریت یک نماینده مجلس که به صورت شفاف رای داده

## مهدی مطهرنیادر گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## پیوستن به شانگهای موضع ایران در برابر غرب را تقویت می‌کند

با ورود به شانگهای باید غلظت حمایت از ایران افزایش پیدا کند

نه شرقی، نه غربی، تبدیل به همکاری با شرق در برابر غرب شده است



**آرمان ملی** – سهیل ثابت: پس از سال‌ها که ایران عضو ناظر پیمان همکاری شانگهای بود روز جمعه و در جریان نشست اخیر کشورهای عضو این پیمان با اعلام رئیس‌جمهور چین ایران به عنوان عضو رسمی و دائمی این پیمان همکاری شانگهای انتخاب شد تا به قول برخی نمایندگان مجلس با حضور ایران مربع قدرت شرق تکمیل گردد. هر چند که برخی پیش از این نیز سیاست خارجی دولت را نگاه به شرق عنوان کرده بودند. حال باید دید دولت رئیسی چه دستاوردهایی از عضویت در شانگهای خواهد داشت. در این راستا «آرمان ملی» با مهدی مطهرنیا «پننده پژوه سیاسی و اجتماعی و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

می‌پذیرند که امتیازات بالا و حمایت‌های قابل‌ادراک از ایران را در برابر آمریکا با وجود هزینه‌های بسیار بالای حمایت از ایران پرداخت کنند پیوستن به شانگهای امری مثبت در بافت موقعیتی کنونی تصور خواهد بود. اما در سویی دیگر احتمال همکاری یکن، مسکو و واشنگتن و کشورهای اروپایی‌ها در جهت نظم دادن به شکل آینده جهانی براساس معامله بزرگ بین آمریکا و رقیبای خود در سطح بین‌المللی صورت پذیرفته باشد؛ عضویت ایران در شانگهای می‌تواند زمینه‌های کنترل بیشتر تهران از طریق همکاری‌های رقیب یعنی واشنگتن و یکن با آمریکا را فراهم و آمریکا در جهت کنترل ایران با امتیاز خوبی به رقیبای خود وارد عمل شود و در اینجا برنده ذهنی ایران در شانگهای نه تهران بلکه مسکو، چین و دیگر اعضا در جهت امتیازگیری از آمریکا و کشورهای هم‌پیمانان در جبهه کشورهای غربی تلقی خواهد شد. من معتقدم غرب و شرق در تراجم با یکدیگر تلازم سعی دارند که برای ایران پیوستن در عین حالی که رو در رویی‌ها و اصطلاحات آنها در واقع امر وجود دارد و تردید ناپذیر است در واقعیت نیز هم‌راستا بودن آنها در جهت ایجاد منافع بیشتر در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کند که در زمینه‌های مسائل منطقه‌ای با یکدیگر به یک تعادل معنا دار برسند و هر یک از این خان قدرت امتیازات خود را بکن از منظر حقیقت گزاره‌ها اکنون به عنوان متغیر مستقل در شانگهای تأثیر گذار خواهد بود و خواهد توانست وزن خود را در شانگهای به گونه‌ای اعمال کند که چین و روسیه و دیگر کشورهای عضو شانگهای را تحت تأثیر قرار داده و منافع آنها را با هدف گذاری‌های خود محقق کند. اما برای آمریکا فرآیند متغیر اصلی در کنار چین و یکن با همکاری‌های فرا شانگهای به دلیل منطق قدرتمدار روابط بین‌الملل نزدیک و از طریق شانگهای نسبت به گذشته اعمال فشار بیشتری را از طریق رقیبای بین‌المللی خود وارد خواهد کرد.

**برخی معتقدند با روی کار آمدن دولت آقای رئیسی، سیاست نگاه به شرق بیش از گذشته تقویت خواهد شد و پیمان شانگهای هم قطعاً در آن بی‌تأثیر نخواهد بود؛ این مساله را چگونه تبیین می‌کنید؟**

دولت آقای رئیسی دولتی است که همکاری با روسیه و چین را به عنوان یک ارزش انقلابی مطرح می‌کند. اگر چه دولت‌های حاکم بر تهران، روسیه و چین هم در سطح بین‌المللی نگاه به شرق داشته‌اند اما در شرایط کنونی، روسیه و چین نسبت به گذشته نگاه به شرق داشته‌اند و این امر برای ایران فرصت‌های بسیار زیادی در چارچوب یک گفتمان پرآماتیسیتی توجیه‌پذیر می‌کند. ولذا این نشان می‌دهد که ایران در سیاست خارجی خود دچار یک شیفت پارادایم است. پارادایم حاکم بر جمهوری اسلامی بر اساس انقلاب اسلامی پارادایم نه شرقی، نه غربی بوده است. الان شرقی در برابر غربی است یعنی همکاری با شرق مارکسیستی و چپ‌گرای لینینیستی-مانوئیسیتی در برابر غرب لیبرال دموکراتیک خداباور؛ فلذا به جای آنکه جهت‌گیری یا رهیافت ایدئولوژیک عملگرایی سیاسی در آن نمود پیدا می‌کند و نه شرقی، نه غربی می‌شود همکاری با شرق در برابر غرب البته این جهت‌گیری‌ها در دولت دوم حسن روحانی به واسطه تصمیم دستگاه سیاست خارجی ایران کلید خورد و امتانات عین‌المللی به گونه‌ای

توافقنامه درجام و بلوغ بخشی از تحریم‌ها، می‌تواند مشوق‌های سازنده‌ای برای ادامه تعامل سازنده ایران با جامعه جهانی فراهم کند. لذا پیوستن ایران به صورت دائمی به سازمان شانگهای می‌تواند حجم مبادلات اقتصادی ایران و کشورهای عضو شانگهای را در سطح بسیار بالایی ارتقا بخشد و این یک موفقیت سیاسی و اقتصادی برای ایران تلقی می‌شود. از طرفی طبیعی است که ایران با پیش شرط‌هایی در آینده اف‌ای تی اف‌ا خواهد پذیرفت، زیرا یکی از مسائل چالش برانگیز در سازمان شانگهای پذیرش توافقنامه اف‌ای تی اف‌ا سوی کشورهای عضو می‌باشد. لذا ایران با دقت و هوشمندی بالا در آینده به پروتکل اف‌ای تی اف خواهد پیوست اما این به مفهوم تسلیم شدن ایران در برابر خواسته‌های اف‌ای تی اف نخواهد بود.

## سازمان شانگهای و پیروزی ایران

دلار و بیورو خارج خواهد شد و یک ارز جدیدی در محور کشورهای مسیر جاده ابریشم به وجود خواهد آمد. حضور رئیس‌جمهور ایران در نشست سران شانگهای در تاجیکستان نشان داد که تهران راهبرد جدیدی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی و شکستن تحریم‌ها در دست اجرا دارد. به همین دلیل و با توجه به نقش آفرینی چهار محور عموری عضو شانگهای یعنی چین، روسیه، هند و ایران، آمریکا اخیراً سیگنال‌هایی برای شکستن بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه ایران به تهران ارسال داشته. این امر نشان می‌دهد که جامعه جهانی به ویژه آمریکا و کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیده‌اند که اجرایی کردن توافقنامه درجام و لغو بخشی از تحریم‌ها، می‌تواند مشوق‌های سازنده‌ای برای ادامه تعامل سازنده ایران با جامعه جهانی فراهم کند. لذا پیوستن ایران به صورت دائمی به سازمان شانگهای می‌تواند حجم مبادلات اقتصادی ایران و کشورهای عضو شانگهای را در سطح بسیار بالایی ارتقا بخشد و این یک موفقیت سیاسی و اقتصادی برای ایران تلقی می‌شود. از طرفی طبیعی است که ایران با پیش شرط‌هایی در آینده اف‌ای تی اف‌ا را خواهد پذیرفت، زیرا یکی از مسائل چالش برانگیز در سازمان شانگهای پذیرش توافقنامه اف‌ای تی اف خواهد پیوست اما این به مفهوم تسلیم شدن ایران در برابر خواسته‌های اف‌ای تی اف نخواهد بود.

## گزارش

## فرصت تا ۲۰۲۴ – راه‌شانگهای باید هموار شود

**ادامه از صفحه دو** / از سوی دیگر باتوجه به اینکه دو قدرت چین و روسیه از پایه گذاران اصلی این سازمان هستند و بعد هم بازیگرانی مثل هند به این سازمان پیوسته‌اند، در شرایط کنونی سازمان همکاری شانگهای از حیث وسعت جغرافیایی و جمعیتی که در بر می‌گیرد و همچنین ظرفیت‌ها و امکانات اقتصادی، یک سازمان با امکانات و توانایی‌های قابل توجه در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود. بنابراین این سازمان هم در خود ظرفیت‌های اقتصادی قابل توجه دارد که قاعدتاً با همکاری بین اعضا می‌تواند بیش از گذشته شکوفا شود. لذا به نظر می‌رسد این پیمان می‌تواند فرصتی معتتم باشد چرا که این پیمان می‌تواند نقطه اتصال کشورهای آسیای مرکزی به بندر چابهار، به عنوان مهم‌ترین محور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حساب آید. به نظر می‌آید دولت باید با فوریت و با جذب سرمایه خارجی این محور حیاتی را احداث کند. سازمان همکاری‌های شانگهای ظرفیت بزرگی است تا ایران نیز مانند سایر کشورهای عضو از آن استفاده کند. به هر حال این کشورها بازار قابل توجه و بزرگی را تشکیل می‌دهند که اگر ایران برنامه ریزی در دست داشته باشد می‌تواند از فرصت‌های موجود در این کشورها استفاده کند. ضمن اینکه این کشورها دارای سرمایه‌های زیادی هستند که اگر ایران طراحی درستی داشته باشد می‌تواند بخشی از این سرمایه‌ها را جذب کند. با این حال رسیدن به موافق دستاوردهای پیمان شانگهای با راحتی هم مسیر نیست و باید موانع بر سر راه برداشته شود. یکی از مهم‌ترین این موانع که بخش اعظمی از تجارت خارجی کشورمان را با مشکل مواجه ساخته عدم پذیرش و تصویب FATF است. پیوستن کشورمان است. قدر مسلم اگر بخواهیم از موافق شانگهای بهره‌وافر ببریم باید به سمت و سوی تصویب لوایح مانده از FATF حرکت کنیم؛ و الا از این سازمان همکاری نیز سود چندانی عایدان نخواهد شد.

## نگاه

## پشت‌پرده پیمان امنیتی آمریکا انگلیس و استرالیا؟

**ادامه از صفحه اول** / بنابراین تصور می‌کنم که انگلستان عملاً از هدف حذف فرانسه در مناسبات و تحولات بین‌المللی این توافق و لغو قرارداد ر انجام داده است تا هم نقش، جایگاه و وزن فرانسه و مهمتر از آن اتحاد اروپا را در نظم بین جهانی کم‌رنگ کند و در عین حال سعی دارد با هلمن پروژه چشم و نگاه انگلوساکسونی ناشی از همکاری ایالات متحده و انگلستان یک نظم جدید جهانی را شکل دهد که در آن اتحادیه اروپا نقش چندانی بر عهده ندارد. لندن بعد از خروج از اتحادیه اروپایی می‌کند برای برگردن خلا اقتصادی و تجاری و همچنین مسائل سیاسی، دیپلماتیک، دفاعی خود کشورهای جایگزینی را مانند چین، هند، روسیه و دیگر کشورهای حوزه نفوذ را پیدا کند. اما صدر این اتحادیه اروپا در نظر گرفته شده است. انگلستان مدار خروج از اتحادیه اروپا تلاش دارد خود را قوی کند که توان آن را هم دارد، چون به باور انگلستان دست لندن در اتحادیه اروپا با یک تقویت جایگاه و نفوذ در مناسبات جهانی بسیار بسته و محدود بود، اما اکنون بیش از ۵۰ کشور مشترک المنافع، توتو... را در راستای بهبود و تقویت همکاری‌ها با خود را فعال کرده است. با این معضات و دیگر شکاف و گسار سیاسی و دیپلماتیک بین فرانسه با انگلستان، استرالیا و آمریکا هستند و لندن سعی می‌کند با نگاه انگلوساکسونی منظرش مدیریت از آن اتحادیه اروپا بگیرد، تهران می‌تواند بهترین استفاده را برای منافع خود داشته باشد و با ارسال یک هیات دیپلماتیک مناسبات خود را با اتحادیه اروپا با محوریت فرانسه افزایش دهد. چون فرانسه این توان را دارد که یک راه حل سوم و یک گروه سوم را تشکیل دهد؛ سیاستی که در زمان تو گل پی گرفته شد، اما متأسفانه در زمان سارکوزی و اولاند به حاشیه رفت. به همین دلیل اکنون فرانسه یک دوران بی‌هویتی را در تعاملات بین‌المللی تجربه می‌کند؟ از آن سو برخی برنامه‌ها مانند تشکیل ارتش اروپایی هم عملاً به بی‌نت رسیدن است، حتی کشورهای مانند لیکس، و دیگر کشورهای اروپایی شرقی هم سیاست‌های فرانسه و برکسل را نادیده می‌گیرند. بنابراین یک فرصت معتتم و خوبی در اختیار ایران قرار گرفته است، به ویژه که فرانسوی‌ها اعتقاد دارند اکنون از سطح بسیار بالاتر از ارتش مستقر اروپایی قرار دارد و فقط سرمایه‌های تشکیل آن مطرح است. کنار آن است نباید این نکته را هم نادیده گرفت که آلمان به عنوان موتور محرکه اقتصادی اتحادیه اروپا تعالی ندارد که هزینه‌ای برای ایجاد ارتش مستقل اروپایی صرف کند چون امتانات عین‌المللی ناتو است. اگر چه برلین از نظر اقتصادی و سیاست‌های مشترک اروپایی با پاریس همسواست، اما از نظر نظامی، دفاعی و امنیتی مجبور است که زیر چتر ناتو عمل کند. از این رو واقعیت‌ها و مکانیسم‌ها موجود در خود اتحادیه اروپا اجازه تشکیل ارتش مستقل را نخواهد داد. اینها علاوه بر آن است که برخی از کشورهای اروپایی عملاً بخش عمده از آ بودجه خود را صرف آید باز هم نمی‌تواند فاصله آن را به دنبال توان مالی آنها در سرمایه‌گذاری روی دیگر مسائل کاهش پیدا کرده است، لذا فعلاً فضا، بستر و ابزار لازم جهت تشکیل ارتش مستقل اروپایی در کوتاه مدت میسر نیست.